

## تبیین نمونه‌های موفق مشارکت‌های اجتماعی در کشور



می‌شود به این معنا می‌توانیم بگوییم که توسعه ما توسعه پایدار است و در حال ایجاد تعامل میان نیازها و خواسته‌های مردم است. طرح حبله رود از این بابت می‌شود گفت که طرح با دستاوردی بود که میشود الگویی برای دیگر حوضه‌های آبریز در مناطق مختلف باشد. پس به طور خلاصه دستاوردهایی که طرح در اشتغالزایی، در حوضه تغییر الگوی کشت، چگونگی ایجاد افزایش مشارکت مردم و ارتباط دادن آنها با دستگاه‌ها و نهادهای دولتی اتفاق هستند که در طرح حبله رود رخ داد و می‌شود آنها را به عنوان نکات مثبت در کشور به عنوان یک تجربه ذکر کرد البته نکته ضعیفی هم در این حوزه ذکر شده که برخی از این موضوعات بسته به منطقه روستایی که مطالعه در آن اتفاق افتاده قابل افزایش یا قابل بودند اما نکاتی که من گفتم در کلیت منطقه وجود داشت و می‌شود گفت یک طرح مشارکتی نسبتاً موفق بوده است.

■ **موسی عبیری**  
سردبیر مجله علمی پژوهشی توسعه محلی - دانشیار دانشگاه تهران

همدیگر را پیدا کنند و هرکدام بتوانند خلاءهای موجود را برطرف کنند از این بابت یک نقدی وجود داشت ولی تا جایی که مردم حضور داشتند و فعالیت داشتند کشاورزی در حاشیه منطقه، رونق نسبتاً خوبی گرفت. در امتداد رودخانه فعالیت‌های کشاورزی و به طور خاص تغییر الگوی کشت که یکی از اهداف پروژه بود به خوبی انجام گرفت و مردم هم با این ایده موافقت کردند یعنی پذیرفتند ایده به طور نسبی صورت گرفته است. چند منظوره کردن فعالیت‌های روستایی و فعالیت‌های اشتغال‌زایی و کسب و کار در منطقه و در حوضه آبریز و حوضه آبخیز حبله رود با موفقیت نسبی انجام شد و گاهی این راز امتیازات مهم این پروژه می‌دانند که باعث شد از مهاجرت و خالی شدن روستاها جلوگیری کند یا حداقل می‌شود گفت که سرعت تخلیه روستاها را کند کرد این یکی از امتیازات است الان ما با سرعت تخلیه روستاها در کشور مواجه هستیم که من اسم آن را می‌گذارم از بین رفتن پایداری اجتماعی در روستا اما وقتی سرعت تخلیه روستاها کند

حاشیه رودخانه بودند مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفتند تجربه نشان می‌داد که آنها از امتیازات این طرح برخوردار شدند. این شکل جابجایی‌های جمعیتی که بر اثر کم‌آبی در بسیاری از جاها اتفاق می‌افتد در این منطقه کمتر شد و پیش‌بینی می‌شد که در صورت نبود این طرح می‌توانست بیشتر اتفاق بیفتد. از طرفی مشارکت دستگاه‌های مختلف یعنی نهادهای دولتی، خصوصی و مردم در این طرح اتفاق افتاد که البته مورد نقد و انتقاد هم بوده یعنی صحبت‌های مسئولین مربوطه به خصوص مسئولینی که در حوضه مدیریت جنگلها و مراتع کار می‌کردند این بود که مدیریت دولتی و یا تجمع مدیریت یا مدیریت یکپارچه میان نهادها به خوبی انجام نشد. هدف این طرح، این بازتوانی یا ایجاد یک توان جدید در مجموعه مدیریتی در منطقه بود که بتواند مشارکت را ایجاد کند که این کار به خوبی انجام نشد البته نقدش عمدتاً به سازمان‌ها و نهادهایی است که درگیر کار بودند و نتوانستند خیلی خوب نیاز شناسی کنند و از طرفی نتوانستند



طرح مدیریت منابع، آب و زمین در امتداد رودخانه حبله رود که در استان تهران و سمنان بوده یکی از نمونه‌های خوب برای مثال زدن در حوضه مشارکت مردمی است. طرح حبله رود چهارشهرستان دماوند، فیروزکوه، گرمسار و سرخه را که در امتداد رودخانه حبله رود هستند در بر می‌گیرد. این طرح در واقع از منابع آب و خاک که در امتداد رودخانه هستند حفاظت می‌کرد. از طرفی طرح خوبی بود برای جلب مشارکت مردم در حفاظت از منابع طبیعی. بحث مهم در این حوضه، بحث ایجاد پایداری در معیشت مردم بود تا زمانی که پایداری در حوضه منابع آب و زمین و خاک و حتی جنگل ایجاد نشود ما نمی‌توانیم صحبت از پایداری در حوضه‌های اجتماعی بکنیم. یعنی زمانی معیشت مردم، جمعیت یک روستا و یک نقطه و مشارکت مردم پایدار خواهد بود (بحث بسیار مهمی است) که ما پایداری منابع را در اولویت داشته باشیم. طرح حبله رود تلفیق این دو شکل از پایداری و مشارکت مردمی بود، روستاهایی که در



### دو صد گفته چون نیم کردار نیست

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، کشور ژاپن که یک کشور به شدت جنگ‌زده و نابود شده بود ولی همچنان سودای پیشرفت و ترقی را در سر می‌پروراند تصمیم گرفت برای پیشرفت سریع، چرخ را از نو اختراع نکند و از راهی که دیگران رفته‌اند و به مقصود رسیده‌اند، مسیر پیشرفت خویش را ترسیم نماید. به همین جهت تیم‌های متعدد کارشناسی ژاپنی به کشورهای مختلف پیشرفته به ویژه به کشور آمریکا اعزام شدند تا بتوانند راز پیشرفت آنها در صنایع و علوم مختلف کشف نمایند. این کار که بعدها در مراجع مدیریتی به Benchmarking معروف گشت و به زبان فارسی به بهینه‌کاوی ترجمه شد، بسیار موثر و زودبازده بود. جالب اینکه در سال ۱۹۷۹ شرکت آمریکایی زیراکس که بخش مهمی از بازار خویش را به کشورهای ژاپنی وانهاده بود، تصمیم گرفت تا با بهینه‌کاوی، خود را از ورشکستگی کامل نجات دهد و این اولین تجربه ثبت شده بهینه‌کاوی در دنیا می‌باشد. امروز به خوبی همه دریافته‌اند که اگرچه بعضی موضوعات و چالش‌های پیچیده و غامض با تعریف تعدادی رساله کارشناسی ارشد و دکترا و چندین ساعت فرصت مطالعاتی روی کاغذ به خوبی قابل حل خواهد بود ولیکن تا به عمل رسد شاید این سیب‌صدها چرخ خورد و شاید به مصداق داستان مشهور مثنوی مولانا شیر بی‌دم و سر و اشکم از کار درآید. اما در دنیای امروز که شبکه‌ها به سرعت برق و باد در حال تکامل می‌باشند و با اشارت سرانگشتی می‌توان تجارب ریز و درشت دور افتاده‌ترین روستا را مثلاً در کشت فلان محصول یا پرورش فلان گونه پرنده ردیف نمود، استفاده از تکنیک بهینه‌کاوی بسیار آسان و در دسترس شده است. در موضوع مدیریت مشارکتی و تحویل حجمی آب بر اساس آب قابل برنامه‌ریزی، موضوعی که کشور مادر آستانه تجربه آن است، حیث است از این ظرفیت که نمود عینی جغرافیایی و تاریخی بسیار دارد غافل شویم و کامیابی‌ها و ناکامی‌های این امر مهم را با بررسی نمودهای عینی، شفاف و درس عبرت نکنیم. با بهینه‌کاوی می‌توان الگوهای موفق در کشور یا در سایر کشورهای دنیا را شناسایی کرد و بر اساس آنها نسخه‌ای اجرایی و کارگشا پیچیدگی کمتر در آن خلل و ریسک وارد شود. با بهینه‌کاوی مدیریت مشارکتی می‌توان امیدوار بود که می‌شود در روزگاری نزدیک بالاخره منابع آب را با تدبیر و توان خود دینفعان اصلی آب مدیریت نمود.

■ **محمد مهدی جوادیان زاده**  
مدیرعامل شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد

## راه‌های تسهیل مشارکت کشاورزان در طرح‌های تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی

از حدود ۳ دهه و تغییرات اساسی اقلیمی همچنان به‌روزرسانی نشده است.

۶- درک اجتماعی بودن مشکلات آبی و فراهم نمودن بستر تسهیل‌گری‌های اجتماعی، آماده شدن کشاورزان برای همراهی با طرح‌های مواجهه با بحران کم‌آبی و لزوم تغییر در الگوهای سنتی کشت و کار و آبیاری.

۷- ایجاد ظرفیت دانشگاهی در رشته‌های اجتماعی مرتبط با محیط زیست.

۸- مسئولیت‌پذیری اجتماعی بخش‌های گوناگون حکمرانی آب برای شکل‌گیری یک حکمرانی یکپارچه به نفع اقشار مختلف جامعه و محیط زیست به صورت همزمان؛ عدم تخطی از آرمان بشری حفاظت از منابع آب.

برای اتفاق مذاکره و مشارکت کشاورزان در مسیر نوسازی بوم‌شناسانه حکمرانی آب، قدرت شبکه کشاورزی می‌تواند از طریق بکارگیری اینترنت اشیا در خرده سیستم «مصرف آب» افزایش یابد. از سوی دیگر، تسهیل‌گری اجتماعی، آموزش و افزایش آگاهی کشاورزان از بحران آب و تبیین نقش کنتورهای هوشمند در برقراری عدالت در توزیع آب می‌تواند ایده‌هایی در جهت افزایش مشارکت کشاورزان در فرایند گذار به حکمرانی هوشمند آب باشد. کنتور هوشمند مقتدر به تنهایی نخواهد توانست از آب‌های زیرزمینی محافظت کند، ما به مشارکت کشاورزان در فرایند نوسازی حکمرانی آب نیازمندیم.

۳- تشکیل سراهای محلی - مشارکتی کشاورزی در روستاها - دشت‌ها و ارتقای جایگاه تشکل‌های آب‌بران.

۴- یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی پراکنده، شکل‌گیری کشاورزی‌های بزرگ صنعتی و کاهش بهره‌برداران چاه‌ها.

۵- به‌روز شدن سند ملی آب: محاسبه آب مورد نیاز گیاهان در هر دشت بر اساس سند ملی آب در آئین‌نامه بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی مصوب ۱۳۷۵ تنظیم شده و پس

حصول نتایج در کوتاه‌مدت است. کشاورز اگر بتواند سهمیه آب خود که در کارت بهره‌برداری وی بر مبنای پروانه‌های اصلاحی شارژ می‌شود را به قیمت توافقی بفروشد، می‌تواند تا اندازه‌ای به تعادل سفره‌های آب زیرزمینی نزدیک‌تر شود. اگرچه این بازار می‌تواند معایبی از جمله کاهش انگیزه کشاورزان برای کاشت محصولات کم‌بازده اما استراتژیک را نیز داشته باشد.

۲- سرمایه‌گذاری در فرایند نوسازی بوم‌شناسانه؛ در این فرایند، تأکید شدیدی بر نقش نوآوری‌های تکنیکی در اصلاحات زیست‌محیطی وجود دارد. نگرش انتقادی به حکمرانی غیرمشارکتی، پویایی شبکه متکثر حکمرانی و نقش فعال بازار، نگاه تکاملی در کشاورزی به سوی کشاورزی با درک محدودیت‌های عامل انسانی و کشمکش‌های ادامه‌دار اجتماعی و همچنین جهت‌گیری به سوی ارائه راهکارهای فنی اجتماعی در سطح دولت - ملت از ویژگی‌های یک نوسازی بوم‌شناسانه موفق است.

۳- تشکیل سراهای محلی - مشارکتی کشاورزی در روستاها - دشت‌ها و ارتقای جایگاه تشکل‌های آب‌بران.

۴- یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی پراکنده، شکل‌گیری کشاورزی‌های بزرگ صنعتی و کاهش بهره‌برداران چاه‌ها.

۵- به‌روز شدن سند ملی آب: محاسبه آب مورد نیاز گیاهان در هر دشت بر اساس سند ملی آب در آئین‌نامه بهینه‌سازی مصرف آب کشاورزی مصوب ۱۳۷۵ تنظیم شده و پس



ورود کنتور هوشمند به خرده سیستم توزیع آب، ابتدای مسیر گذار حکمرانی آب به یک حکمرانی هوشمند و به نفع منابع آب‌های زیرزمینی است. اگر این هدف که اینک از سوی بخشی از دولت آغاز شده همراهی سایر بخش‌های حکمرانی آب از جمله کشاورزان را برانگیزد، یک دگرگونی پایا در حکمرانی آب رخ خواهد داد و گر نه در میانه مسیر گذار دچار تلاطم و یا حتی فروپاشی خواهد شد. حکمرانی دولتی آب برای کنترل مصرف آب در بخش کشاورزی از وساطت کنترل‌گر شیء هوشمند در بخش توزیع آب بهره برد که توانست قدرت برتر در شبکه بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی باشد. در نوع رابطه میان کشاورز و آب، اشیا نقشی اساسی داشته‌اند. شبکه کشاورزان که پیشتر با ابزار پمپ آب می‌توانست دست برتر را برداشته آب در هر لحظه داشته باشد با ورود کنتور هوشمند تضعیف شد. به دیگر سخن، شیء پمپ آب با ورود شیء کنتور هوشمند کنترل شده است. برای موفقیت در این مسیر، که پروسه برداشت آب مغلوب کنتور هوشمند می‌شود، مشارکت کشاورزان باید تسهیل شود. راهکارهای اجتماعی زیر می‌تواند بخشی از مدل مواجهه ملی با بحران فزاینده آب باشد:

۱- ایجاد بازار مجازی آب: این یک پیشنهاد کاربردی با

## ضرورت توجه به مشارکت‌های مذهبی مردمی در حوزه آب

ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های متعددی در کشور مادرزمینه مدیریت منابع آب، بهره‌گیری بهینه از آن و یا جبران خسارت‌های ناشی از کمبود آن وجود دارد. یکی از این ظرفیت‌ها «مشارکت‌های دینی - مردمی» است. این نوع از مشارکت که هم جنبه ای دینی دارد و هم مردم عامل



مشارکت هستند در پدیده‌هایی همچون وقف، نذر و خیرات خود را نشان داده است. این پدیده‌ها مختص دین مبین اسلام نیست و در زرتشتیان ایرانی نیز این آیین‌ها از جمله وقف نیز وجود دارد. در طی چند سال اخیر، هرچند استفاده از این ظرفیت‌ها در حوزه آب و آبرسانی کم نبوده اما توجه جدی به آن‌ها نشده است. به عنوان مثال سازمان‌های مردم‌نهادی همچون موسسه خیریه کریمان و یا جمعیت امام رضایی‌ها (ع) از این ظرفیت برای آبرسانی به مناطقی از شرق و جنوب شرق ایران بهره گرفته‌اند یا در مواردی مردم برای خیرات اموات و درگذشتگان خود برای حیات وحش بیابان؛ آب مورد نیاز آن‌ها را تأمین می‌کنند. دولت که همواره در بسیاری از موارد سلیقه جلب مشارکت مردم را ندارد و یا با کمبود منابع روبروست می‌تواند با توجه بیشتر به این ظرفیت‌ها بخشی از مشکلات آبرسانی برای مردم و یا حیات وحش در حوزه محیط زیست را حل کند. ما باید از آیین‌های پیشینیان و پدیده‌هایی همچون وقف، نذر و خیرات برای حل معضلات فعلی به خصوص در حوزه‌ی آب بهره ببریم. در حوزه‌ی وقف بسیاری از وقف‌ها کارایی خود را از دست داده و یا با توجه به اوضاع و احوال زمانه دیگر کارایی لازم را ندارند. از این ظرفیت می‌توان استفاده کرد و با جلب نظر علما و روحانیون بسیاری از موقوفات را برای مدیریت منابع آبی استفاده نمود. با توجه به محدودیت بودجه‌ای که دولت با آن روبرو است، یکی از کارهایی که از محل این موقوفات می‌توان انجام داد ساخت استخرهای ذخیره منابع آب به خصوص برای مناطق روستایی و یا لایروبی قنوات آن‌هاست تا بخشی از مشکلات آن‌ها در حوزه آب حل شود. در کنار وقف، می‌توان مردم را نیز تشویق کرد تا خیرات اموات خود را به حوزه‌ی منابع آبی اختصاص دهند و یا از طریق خیرات به آبیاری داوطلبانه فضای سبز و یا تأمین آب برای حیات وحش بیابان اقدام نمایند. البته تمام توقع را نباید از مردم داشت بلکه در کنار مردم، دولت نیز باید مشارکت لازم را در طرح‌ها داشته باشد. در واقع بهترین مدل برای کارهای مشارکتی در حوزه‌ی آب می‌تواند مثلث مردم، مذهب و دولت در کنار یکدیگر باشد.



تصویر مربوط به اهدای یک منبع آب به منظور خیرات اموات و درگذشتگان برای آبیاری درختان در بیابان اردکان یزد- آب انبار شهید عباسپور

■ محمد مهدی زاده اردکانی

دکتری توسعه اجتماعی-روستایی، دانشگاه تهران و پژوهشگر جامعه‌شناسی محیط زیست و تغییرات اقلیمی



## چرا؟ یا چه را؟

شیوه‌ای که اغلب ما در ارتباط برقرار کردن در پیش می‌گیریم، حرکت از بیرون دایره (چی) به سمت درون دایره (چرا) است. اکثر ما از روشن‌ترین مسائل به طرف مبهم‌ترین می‌رویم اما رهبران و سازمان‌های بزرگ همگی از درون دایره (چرا) به سمت بیرون (چی) می‌اندیشند، عمل می‌کنند و ارتباط برقرار می‌کنند.



بگذارید مثالی بزنم اگر اپل مثل هر شرکت معمولی دیگری چنین پیامی را مخابره می‌کرد که: «ما کامپیوترهای خیلی خوبی می‌سازیم. آن‌ها به زیبایی طراحی شده‌اند، کار کردن با آن‌ها آسان است و کاربر پسند هستند. می‌خواهید یکی از آنها را بخرید؟» و پاسخ ما چیست؟ «ممنممممم مطمئن نیستم.» این شیوه‌ای است که اکثر افراد و سازمان‌ها براساس آن عمل کرده و برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌کنند. اول می‌گویند چه کار می‌کنند، بعد می‌گویند چگونه از بقیه متفاوت هستند، یا چرا از بقیه بهترند و در ادامه انتظار بروز یک رفتار، خرید یک محصول، گرفتن یک رأی یا چیزی شبیه این را دارند اما شیوه‌ای که اپل ارتباط برقرار می‌کند، در واقع این گونه است: «هر کاری که ما می‌کنیم، به تغییر وضعیت موجود باور داریم. اما متفاوت اندیشیدن را باور داریم. شیوه‌ای که ما با استفاده از آن وضعیت موجود را تغییر می‌دهیم، با ساخت محصولات است که به زیبایی طراحی شده‌اند، کار کردن با آنها آسان است و کاربر پسند هستند. این گونه است که ما کامپیوترهای خیلی خوبی می‌سازیم. می‌خواهید یکی از آنها را بخرید؟» کاملاً متفاوت است، این طور نیست؟ شما الان حاضرید از من یک کامپیوتر بخرید. تنها کاری که من کردم، برعکس کردن نحوه ارسال اطلاعات بود.

مردم کار شما را نمی‌خرند. مردم دلیل کار شما را نمی‌خرند. برای مردم مهم نیست که چه کاری می‌کنید، بلکه برای آنها مهم است که چرا آن کار را می‌کنید. هدف این نیست که با هر کسی داد و ستد کنید که به چیزی که شما دارید، نیاز دارد. هدف این است با کسانی داد و ستد کنید که آن چه را شما باور دارید، باور دارند. هیچ کدام از چیزهایی که می‌گویم، عقیده شخصی من نیست، بلکه همه اینها ریشه در علم زیست‌شناسی دارد، نه روان‌شناسی، بلکه زیست‌شناسی. اگر نگاهی به ساختار مغز بیندازیم، می‌توان آن را به سه بخش تقسیم کرد که با سه بخش دایره طلایی

سایمون سینک نویسنده و سخنران مشهور در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار نظریه مشهور خود را معرفی کرد و به سرعت به شهرت جهانی رسید؛ به گونه‌ای که سخنرانی او تا پایان سال ۲۰۱۳، سومین سخنرانی پر بیننده TED در فضای مجازی بود که بیشتر از ۲۰ میلیون نفر آن را دیده‌اند. مختصری از این سخنرانی را در ادامه می‌خوانیم:

ما فکر می‌کنیم که می‌دانیم «چرا» کاری را شروع می‌کنیم. اما وقتی که اوضاع آن جور که می‌خواهیم پیش نمی‌رود، چه توضیحی برایش داریم، بگذارید جور دیگری بپرسم؛ این قضیه را که دیگران می‌توانند به چیزهایی برسند که با پنداشت‌ها و ارزیابی ما جور در نمی‌آید، چطور توضیح می‌دهیم؟ برای مثال چرا شرکت اپل تا این اندازه نوآور و پیشروست؟ هر سال پس از سال دیگر اپل واقعاً مبتکرانه از رقیبان خود عمل می‌کند و در عین حال او فقط یک شرکت کامپیوتری مانند همه رقیبانش است. آنها دسترسی یکسانی به استعدادها و مشابه دارند. به نمایندگی‌های مشابه، مشاوران مشابه و رسانه‌های مشابه. پس چرا به نظر می‌رسد که اپل صاحب چیز بسیار متفاوتی است؟ یا چرا مارتین لوتر کینگ جنبش حقوق مدنی را رهبری کرد؟ او تنها کسی نبود که از وضعیت حقوق مدنی در آمریکا رنج می‌کشید و قطعاً او تنها سخنور بزرگ دوران خودش نبود، پس چرا او؟ به نظر می‌رسد که در این جا عامل دیگری وجود دارد که نقش مهمی ایفا می‌کند.

حدود سه سال و نیم پیش کشفی کردم که عمیقاً نگاه من را نسبت به این موضوع که دنیا چطور کار می‌کند و من در این دنیا باید چگونه عمل کنم، عوض کرد. الگوی مشخصی وجود دارد که همه رهبران و سازمان‌های بزرگ و الهام بخش دنیا از جمله اپل، مارتین لوتر کینگ و... براساس آن فکر کرده و ارتباط برقرار می‌کنند و این الگو از الگویی که سایر مردم دارند، کاملاً متفاوت است. تنها کاری که من کردم بدون کردن این الگو بود. و این احتمالاً ساده‌ترین نظریه در دنیا است که من به آن دایره طلایی می‌گویم.

«چرا؟ چگونه؟ چی؟» بگذارید سریع آن را توضیح دهم. هرکس یا هر سازمانی قطعاً می‌داند که چه کار می‌کند. بعضی‌ها می‌دانند که چگونه آن را انجام می‌دهند. اما افراد یا سازمان‌های بسیار کمی وجود دارند که واقعاً می‌دانند چرا کاری را انجام می‌دهند. و منظور من از «چرا»، «سودآوری» نیست، زیرا که سودآوری یک نتیجه است و همواره یک نتیجه باقی خواهد ماند. منظور من از «چرا» این است که: «هدفتان چیست؟ انگیزه‌تان چیست؟ باورتان چیست؟ چرا سازمان شما وجود دارد؟ چرا هر روز صبح از تخت خواب بر می‌خیزید؟ و چرا هر کس دیگری باید اهمیت بدهد که شما چه کار می‌کنید؟»

## نمونه موفق از مشارکت‌های اجتماعی در استان یزد



محیط زیست به عنوان عامل حیات‌بخش زندگی بشر در طول تاریخ بر اثر عوامل گوناگون تخریب شده است. اما با صنعتی شدن جوامع و رشد روزافزون جمعیت و

دستیابی بشر به رفاه بیشتر، اثرات نامطلوب و تخریب محیط زیست دوچندان شده است. اینجاست که باید اذهان عمومی را بیدار و آگاه و فکر جدی برای محیط زیست و زندگی بشریت نمود. مشارکت‌های محیط زیستی متأثر از دانش محیط زیستی، اخلاق محیط زیستی و آموزش رسانه‌ای است و بیشترین تأثیر مربوط به دانش زیست‌محیطی و میزان تمایل به همکاری و مشارکت در فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌باشد. هدف از ارائه این مطلب، بررسی میزان تمایل به مشارکت در حفظ محیط زیست آبی در شهرکها و نواحی صنعتی استان یزد می‌باشد. استان یزد به دلیل موقعیت استراتژیک خود، جزء استانهای شاخص در زمینه توسعه صنعتی محسوب می‌شود و دارای شهرکها و نواحی صنعتی متعددی می‌باشد که به تبع آن آلودگی‌های خروجی ناشی از فاضلاب صنایع، پتانسیل ایجاد آلودگی سفره‌های آب زمینی را به دنبال خواهد داشت. در میان این شهرکها، تعدادی از آنها دارای تعداد زیادی واحد صنعتی می‌باشند و تجمع تعداد مراکز آلاینده در آنها بالا می‌باشد و لزوم همکاری جهت کاهش خطرات ناشی از آلودگی‌ها افزایش می‌یابد که در این خصوص و به منظور جلوگیری از ایجاد آلودگی، همکاری و مشارکت چند جانبه‌ای از سوی شرکت شهرکهای صنعتی استان و واحدهای صنعتی مستقر در شهرکها صورت گرفته و نتیجه آن اجرای تصفیه‌خانه‌های فاضلاب مجهز در شهرکهای صنعتی یزد، جهان آباد میند، مهریز، اردکان و تفت می‌باشد. همچنین مطالعه و اجرای تصفیه‌خانه فاضلاب برای سایر شهرکها و نواحی صنعتی نیز در حال انجام می‌باشد. تصفیه‌خانه فاضلاب شهرکهای صنعتی مذکور، فاضلاب را با توجه به استانداردهای موجود، از واحدهای صنعتی مختلف دریافت و پس از تصفیه، پساب خروجی که دارای کیفیت خوبی می‌باشد، جهت مصارف مختلف از جمله آبیاری فضای سبز، تخصیص به صنایع جدید، مصرف در واحدهای ماسه شویی، عملیات راهسازی و... استفاده می‌شود و بدین ترتیب علاوه بر صرفه جویی قابل توجه در مصرف آب، از آلودگی منابع آب زیرزمینی جلوگیری به عمل می‌آید. این اقدام مشارکتی نمونه موفق از مشارکت‌های مردم با ارگانهای دولتی در استان یزد بوده که ثمره آن حفظ کمیّت و کیفیت منابع آب می‌باشد و انتظار می‌رود با افزایش مشارکت‌های این چنینی، از جمله مشارکت کشاورزان و ادارات دولتی، بتوان شاهد جلوگیری از افت کمیّت و کیفیت منابع آب و در نتیجه تعادل بخشی سفره‌های آب زیرزمینی بود.

## ■ ناهید غلامنژاد

مدیر محیط زیست و کیفیت منابع آب

کاملاً هم خوانی دارد. بیرونی‌ترین بخش مغز ما، مغز انسان اندیشه ورز (Home Sapien Brain) یا همان نئوکورتکس (Neocortex)، با «چه چیز» سروکار دارد؟ نئوکورتکس مسئول تمامی استدلال‌ها و تفکرات تحلیلی و تکلم ماست. دو بخش داخلی، مغز زیرین (Limbic Brain) ما را تشکیل می‌دهند که مسئول درک احساساتمان همچون اعتماد و وفاداری است. این بخش همچنین مسئول تنظیم تمامی رفتارهای انسانی و تمامی تصمیم‌گیری‌هاست، در حالی که ظرفیتی برای تکلم ندارد. به بیان دیگر، وقتی از بیرون به درون حلقه ارتباط برقرار می‌کنیم، آدم‌ها می‌توانند حجم عظیمی از اطلاعات، پیچیده مثل ویژگی‌ها، منافع، حقایق، آمار و ارقام را بفهمند، مسئله این جاست که این‌ها برانگیزاننده رفتار نیستند. اما وقتی ارتباط گرفتن از درون حلقه به سمت بیرون حلقه انجام می‌شود، ما ابتدا مستقیماً با آن بخشی از مغز صحبت می‌کنیم که کنترل‌کننده رفتار است و در ادامه به آدم‌ها اجازه می‌دهیم که با چیزهای ملموسی حرف ما را مورد بررسی منطقی قرار دهند. بعضی وقت‌ها شما به بعضی افراد همه حقایق و آمار و ارقام را ارائه می‌کنید و آنها می‌گویند: «ما می‌دانیم که واقعیات و جزئیات چه می‌گویند، اما به نظر درست نمی‌رسد و حس درستی نمی‌دهند.» چرا ما از این عبارت استفاده می‌کنیم: این «حس» درستی نمی‌دهد؛ چون قسمی از مغز که تصمیم‌گیری را کنترل می‌کند، زبان را کنترل نمی‌کند. نمی‌خواهم تصور شما را خراب کنم، اما دل و روح نیست که این رفتارها را کنترل می‌کنند، این‌ها همه این جادو مغز میانی ما اتفاق می‌افتد؛ قسمتی از مغز که کنترل‌کننده تصمیم‌گیری است و نه زبان.

اگر آدم‌ها را فقط برای این که می‌توانند کاری را انجام دهند استخدام کنید، آن‌ها برای پول شما کار می‌کنند. اما اگر آدم‌هایی را استخدام کنید که آن چه را شما باور دارید باور دارند، با دل و جان برای شما کار خواهند کرد.

در تابستان ۱۹۶۳، دو بیست و پنج هزار نفر در فروشگاه‌های در واشنگتن دی سی گرد هم آمدند تا به سخنان دکتر مارتین لوتر کینگ گوش دهند. برای آن‌ها هیچ دعوت نامه‌ای فرستاده نشده بود. آن موقع هیچ وب‌سایتی وجود نداشت که بتوان زمان سخنرانی را در آن چک کرد. دکتر کینگ تنها سخنران برجسته آن دوران نبود. او تنها فردی در آمریکا نبود که از دوران پیش از حقوق مدنی رنج برده بود حتی می‌توان گفت، برخی از ایده‌های او اصلاً ایده‌های خوبی نبودند. اما او یک موهبت داشت. او به جاهای مختلف نمی‌رفت تا به مردم بگوید نیاز است چه چیزی در ایالات متحده آمریکا تغییر کند، او به جاهای مختلف سفر می‌کرد تا با مردم از

## معرفی شرکت

### دستورالعمل توسعه مدیریت مشارکتی آب

توسعه مدیریت مشارکتی نوعی فرآیند است و این فرآیند از دیدگاه عملیاتی، متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که سه رکن اجرایی اصلی دارد: الف- جامعه دولتی مرتبط ب- جامعه محلی مرتبط ج- جامعه متخصصین مرتبط (تسهیلگران). بنابراین، این دستورالعمل در کلیه مراحل (آماده سازی، پیاده سازی، پایش و ارزشیابی و...) به هر سه رکن اجرایی، نگاه یکسانی داشته و تضمین موفقیت و کارکرد قابل قبول پروژه‌های مدیریت مشارکتی آب را در گرو حضور و نقش آفرینی و تعهد یکسان و مستمر هر سه رکن می‌داند. تعاریف برخی از واژگان و اصطلاحاتی که در این دستورالعمل بکار رفته است، به شرح زیر می‌باشد.

۱- مشارکت فعال: فرآیندی است برای فعالیت جمعی به طور آگاهانه، اختیاری و داوطلبانه در جهت تحقق هدفی مشترک، که در جریان آن افراد جامعه هدف، خود به مشکلات پی برده و وظیفه خویش را در قبال آن دانسته و نقش لازم را برای حل مشکلات ایفاء می‌نمایند.  
۲- مدیریت مشارکتی آب: عبارت است از مشارکت فعال کلیه دست اندرکاران کلیدی در فرآیند تصمیم سازی، تصمیم گیری، برنامه ریزی، طرح ریزی، اجرا، پایش، ارزشیابی و نظارت در مدیریت منابع آب، که در قالب ظرفیت های جدید مردمی-دولتی با اعتماد متقابل و با تسهیل شرایط تصمیم سازی و برنامه ریزی توسط کارشناسان آشنا با رهیافت مشارکت و متخصص شیوه ها و فنون تسهیل گری، شکل می‌گیرد. شایان توجه است در مدیریت مشارکتی آب، مسئله آب و زمین به صورت توأمان در نظر گرفته می‌شود. مدیریت مشارکتی آب مفهوم و فرآیندی فراتر از "ایجاد تشکل بهره برداران" است به گونه‌ای که ایجاد تشکل تنها بخشی از انتهای فرآیند توسعه مدیریت مشارکتی آب است که با خواست جامعه محلی بهره بردار صورت می‌گیرد.

۳- مدیریت مشارکتی آب سطحی: عبارت است از مشارکت کشاورزان در برنامه ریزی یکپارچه برای تقسیم و توزیع عادلانه آب از آبگیر تا مزارع، بهره برداری، نگهداری و مدیریت شبکه های آبیاری و تاسیسات وابسته، و بهبود شیوه های بهره برداری آب در مزارع، حفاظت، اصلاح و بهبود و حاصلخیزی خاک، بهینه کردن الگوی کشت و عملیات به زراعی، به طوریکه منجر به افزایش بهره وری آب و کشاورزی و معیشت پایدار گردد.

۴- مدیریت مشارکتی آب زیرزمینی: عبارت است از مشارکت کشاورزان صاحب چاههای بهره برداری و فنووات در حفاظت و بهره برداری از منابع آب زیرزمینی و مدیریت آبخوان در محدوده یک دشت یا بخشی از آن، و بهبود شیوه های بهره برداری آب در مزارع، حفاظت، اصلاح و بهبود حاصلخیزی خاک، بهینه کردن الگوی کشت و عملیات به زراعی، در راستای بهبود بیلان آب و بهره برداری پایدار آب زیرزمینی و منابع طبیعی، به هطوری که منجر به افزایش بهره وری آب و کشاورزی و معیشت پایدار گردد.

۵- تسهیلگری: اقدامی است که طی آن سعی میشود ابتکار عمل، تصمیم گیری و خلاقیت به دست اندرکاران کلیدی، بویژه افراد و گروههایی که تا به حال به هر علت در حاشیه بوده اند و فرصت مشارکت نداشته اند، انتقال یابد.

۶- توانمندسازی و ظرفیت سازی: ارتقای توانمندی های فردی بویژه کشاورزان ذینفع، ارتقای ظرفیت های گروهی دست اندرکاران کلیدی با انجام گفتگوهای کارگاهی و تبادل اطلاعات و تمرین برنامه ریزی، سطح مزارع و ارتقای دانش و... به عنوان توانمندسازی می‌شود.

## بررسی اعاده به وضع سابق در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب

دریچه باز شده است آن را ببندند اگر چاهی حفر شده است آن را مسدود و پر کنند و چه بسا نیازی به قلع و قمع نباشد و دادگاه در حکم خود نحوه‌ی اعاده را مشخص نماید و قبل از حکم با انجام معاینه محل و کارشناسی مشخص شود که در این موارد دیگر نیازی به طرح دعوی مجدد یا دادخواست قلع و قمع نیست.

### نظر اقلیت

اعاده به دفع به حال سابق متفاوت از قلع و قمع می‌باشد و نظریات مشورتی متعددی به شماره های ۷/۱۲۱۹ و نظریه ۲/۲۴۷ موبد این موضوع است.

لذا صرف صدور حکم به اعاده وضع، مستلزم قلع و قمع نیست و نیاز به تصریح در حکم دارد و تصریح در حکم منوط به طرح درخواست یا دادخواست است.

■ **سید ابوالفضل میردهقانی تفتی**  
سرپرست مدیریت حقوقی



اعاده به وضع سابق در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب شقوق مختلفی دارد و از عبارت کلی اعاده به وضع سابق قلع و قمع چاه و مستحذات مربوطه افاده نمی‌گردد بلکه دادگاه باید دررای خود چگونگی و حدود اعاده به دفع سابق را مشخص نماید. لذا در صورتی که رای دادگاه در این خصوص مجمل و مبهم باشد باید از آن رفع ابهام و اجمال به عمل آورد.

### نظر اکثریت

اعاده به وضع را باید در حدود خود ماده قانونی تعریف کرد در بند های پنجگانه این ماده صحبت از باز کردن دریچه، مقسم، انتقال آب و حفرچاه شده است که در حین حدود باید اعاده صورت گیرد مثلا اگر

- ادامه از صفحه قبل

## چرا؟ یا چه را؟

چیزی بگوید که باور داشت. «من باور دارم، من باور دارم، من باور دارم...» این چیزی بود که او به مردم می‌گفت و مردمی که چیزی را که او باور داشت، باور داشتند، انگیزه او را می‌فهمیدند و انگیزه های خودشان را ساختند و به دیگران نیز گفتند. این گونه بود که دوپست و پنجاه هزار نفر در روز درست و در زمان درست در محل سخنرانی او حاضر شدند. چند نفر از آنها آن روز به خاطر دکتر کینگ آمده بودند؟ هیچ کدام. آنها به خاطر خودشان آمده بودند. این باور آنها بود که باعث شد سختی مسافرت ۸ ساعته با اتوبوس را در گرمای نیمه اوت به جان بخرند و این ربطی به رنگ پوست آنها نداشت. ۲۵ درصد از کسانی که آن روز در سخنرانی دکتر کینگ حضور داشتند، سفیدپوستان بودند...

آقای سینک به درستی بر این گزاره پای می‌فشرد که: وفاداری، وابستگی تنگاتنگ مداوم با عقیده ها دارد. آنکه باورتان کرد، به پای تان پایدار و پایبند - حتی - تا پای دار! خواهد ماند. اعتقاد، هر چه قوی تر، انگیزه ی فکر و کار افزون می‌آورد و از تنبلی، خستگی و دل زدگی می‌کاهد؛ و این، کارکردی عمیق بر شئون مختلف زندگی بشر می‌گذارد؛ و پژوهش های علمی و شواهد تجربی در تایید آن فراوانند. لذا در دنیای امروز تاجران برای تدوام فروش و تجارت، با برای شما باور ایجاد می‌کنند و یا محصول را به نوعی به اعتقادات شما پیوند می‌دهند؛ و البته به مشتریان وفادار خود نیز ارجی بیش تر می‌نهند، حتی متاسفانه برای دشمنی و جنگ افزوری هم عقده می‌آفرینند و تبدیل به عقیده می‌کنند، تا گروهی معتقد! به نیابت، تا پای جان برای منافع اربابانشان بجنگند.

به نظر می‌رسد از نظر جامعه شناسان نیز اقبال به یک رفتار در گرو قبول افکار و اهداف آن باشد؛ همچنین قبول اندیشه های مشترک، هم سویی و هم افزایی می‌آورد و این اساس شراکت و مشارکت خواهد شد. بنابراین ما برای جلب و افزایش مشارکت اجتماعی باید بیش از آگاه سازی درباره ثمره و عایدی به نشر مبانی و چرایی بپردازیم. به تعبیری شراکتی اجتماعی وفادار بسی بیش از «چه را» می‌دانند «چرا» می‌خواهند.

■ **خواجه نصیر الدین آبی**

